



نظام باورهای دینی شامل سه گونه باور بنیادی، میانی و حاشیه ای است/ راهکار رسیدن به وحدت فکری در ادیان

یک استاد فلسفه دانشگاه خوارزمی گفت: متأسفانه در میان برخی از مردم دین فقط در باورهای حاشیه ای محدود می شود که اگر این نوع باور دینی مورد حمله قرار گیرد دیگر تمام باورهای بنیادی، حاشیه ای و میانی نیز مورد خدشه واقع می شود.

یک استاد فلسفه دانشگاه خوارزمی گفت: متأسفانه در میان برخی از مردم دین فقط در باورهای حاشیه ای محدود می شود که اگر این نوع باور دینی مورد حمله قرار گیرد دیگر تمام باورهای بنیادی، حاشیه ای و میانی نیز مورد خدشه واقع می شود. به گزارش خبرنگار مهر، دومین همایش فلسفه دین معاصر دوشنبه 23 دی ماه با حضور تعدادی از اساتید داخلی و خارجی به مدت دو روز کار خود را در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی آغاز کرد.

دکتر قدرت الله قربانی استاد فلسفه دانشگاه خوارزمی طی سخنانی در نشست علم و دین این همایش به تبیین "عقلانیت تشکیکی نظام باورهای دینی" پرداخت و گفت: ماهیت باورهای دینی از مهمترین پرسش های پیش روی فیلسوفان دین است و در این زمینه نظریاتی چون مبنایگرایی، اعتمادگرایی و کل گرایی تلاش داشته اند تا به نحوی اعتقاد باورهای دینی را توجیح کرده و عقلانیت آن را نشان دهند.

وی در تبیین عقلانیت باورهای دینی گفت: در این رویکرد گزاره های دینی همچون نظامی از باورها در نظر گرفته می شود که در آن سه گونه باورهای بنیادی، میانی و حاشیه ای وجود دارند و میان آنها مراتب وجودی و معرفتی طولی وجود دارد. در این نظام باورهای بنیادی از نظر مرتبه وجودی در بالاترین سطح و دارای بالاترین حد عقلانیت، کلیت، جهان شمولی و کمترین امکان تأثیرپذیری و تغییرپذیری از عوامل معرفتی و غیرمعرفتی می باشند. باورهای میانی که مبتنی بر باورهای بنیادی و نتیجه نحوه فهم و تفسیر آنها هستند از نظر وجودی و معرفتی در سطح پایین تر از باورهای بنیادی و بالاتر از باورهای حاشیه ای قرار دارند و دارای عقلانیت، ثبات، جهان شمولی و کلیت نسبتاً کمتر و تغییرپذیری و تأثیرپذیری نسبتاً بیشتری از عوامل معرفتی و غیرمعرفتی هستند.

دکتر قربانی تصریح کرد: باورهای حاشیه ای در پایین ترین سطح وجودی و معرفتی بوده، دارای عقلانیت، ثبات و کلیت کمتر از باورهای قبلی و تأثیرپذیری و تغییرات بیشتر از آنها هستند و تحت شرایط گوناگون متحول می شوند. در این نظام طولی در هر سطح برخی باورهای هم عرض وجود دارند که دارای مراتب وجودی و معرفتی یکسان بوده و فقط کارکردهای متفاوت دارند. تفاوت های مراتب طولی و عرضی باورهای سه گانه که منجر به تفاوت میزان ویژگی عقلانی آنها می شود با عنوان "عقلانیت تشکیکی نظام باورهای دینی" نامیده می شود.

این استاد فلسفه به تشریح ویژگی های سه باور بنیادی، میانی و حاشیه ای پرداخت و گفت: باورهای پایه ای چند ویژگی اساسی دارند که عقلانی بودن، با ثبات بودن و تأثیرپذیری کمتر از جمله آنها است و هر چه از باور پایه ای به میانی و حاشیه ای بیاییم از این ویژگی ها کاسته می شود و هرچه به سمت باورهای حاشیه ای برویم به ویژگی هایی مثل تغییرپذیری، سلیقه ای بودن و موقتی بودن افزوده می شود. نظام باورهای دینی نظامی است که دو ویژگی اساسی دارد، یکی وابستگی طولی این باورهای به یکدیگر و دیگری ارتباط تشکیکی آنها است.

قربانی افزود: اگر به نظام باورهای دینی حمله ای صورت گیرد باورهای بعدی نیز تحت تأثیر قرار می گیرد اما اگر باورهای میانی و یا حاشیه ای دچار چالش شوند برای باورهای بنیادی مساله ای ایجاد نمی گردد. همچنین اگر باورهای حاشیه مورد حمله قرار گیرد باورهای بنیادی و میانی آسیب نمی بینند البته با این استثنا که متأسفانه در میان برخی از مردم دین فقط در باورهای حاشیه ای محدود می شود که اگر این نوع باور دینی مورد حمله قرار گیرد دیگر تمام باورهای بنیادی، حاشیه ای و میانی نیز مورد خدشه واقع می شود.

وی در پایان تأکید کرد: نقش مهم باورهای میانی در ایجاد فرق و گرایش های دینی اهمیت دارد و اگر بتوان باورهای میانی را به هم نزدیک کنیم به سمت نوعی وحدت فکری در ادیان حرکت خواهیم کرد.

در ادامه این نشست دکتر حسن قنبری پیرامون "وضعیت معرفتی خداباوری از نگاه ریچارد سونینبرن" پرداخت و گفت: سونینبرن تعریفی از عقل ارایه نمی کند اما منظورش از عقل و ایمان را به روشنی بیان می کند. سونینبرن به باور گزاره معتقد است و می گوید من به گزاره خدا وجود دارد باور دارم. محتوای این جمله این است که باور همیشه مرتبط و وابسته به بدیل های خود است. مهمترین بدیل هر قضیه، نقیض آن است. در تحلیل سونینبرن باور یک احتمال است، یعنی وقتی می گویی من به گزاره "الف، ب است" باور دارم یعنی از نظر من گزاره "الف، ب است" محتمل تر از گزارش "الف، ب نیست" می شود. در واقع سونینبرن شان معرفتی باور را این گونه توصیف می کند که باورها و گزاره های دینی هیچ فرقی با باورهای غیردینی ندارد.

وی 4 اصل تعمیم، شواهد، وثاقت و سهل باوری را اصول حاکم بر باور از دیدگاه سونینبرن برشمرد و افزود: با حاکمیت این 4 اصل عرفاً در همه حوزه ها به این نتیجه می رسیم که گزاره "الف، ب است" محتمل تر است از نقیض خودش یعنی گزاره "الف، ب نیست" که از جمله در دین همین داستان جریان دارد.

دکتر قنبری افزود: سونینبرن بر خلاف خیلی از کسانی که خداباوری را پیچیده بیان می کنند تعریف روشنی از خداباوری ارایه می

دهد و ویژگی هایی که برای خدا بر می شمرد بر طبق عرف متدینان سه دین ابراهیمی است. سونبرن در تعریف منظور خود از خدا می گوید: منظور من از خدا شخص بدون بدن است که روح هم همین است.

این استاد فلسفه درباره انسجام خداواری از دیدگاه سونبرن گفت: سونبرن ادعا می کند که گزاره های خداواری مانند دیگر گزاره ها ادعای بیان حقیقت را دارند و آن حقیقت این است که یک روح ازلی، آزاد، خالق جهان، همه جا حاضر، قادر مطلق، عالم مطلق و خیرخواه مطلق وجود دارد. همان حقیقتی که عرف خداواران سه دین الهی بر آن گواهی می دهند. به عقیده او این ادعا از انسجام برخوردار است.

دکتر قنبری در پایان گفت: سونبرن از یک جهت دعواهای عقلی ما را ساده می کند اما از طرفی از نظر عرف متدینان نامعقول است یعنی شان ایمان را در حد احتمال پایین می آورد و می گوید من باور به این که خدا وجود دارد را محتمل تر از این می دانم که خدا وجود ندارد درحالی که این ایمان نیست ولی نوع بیان او ما را در مباحث معرفتی می تواند کمک کند.